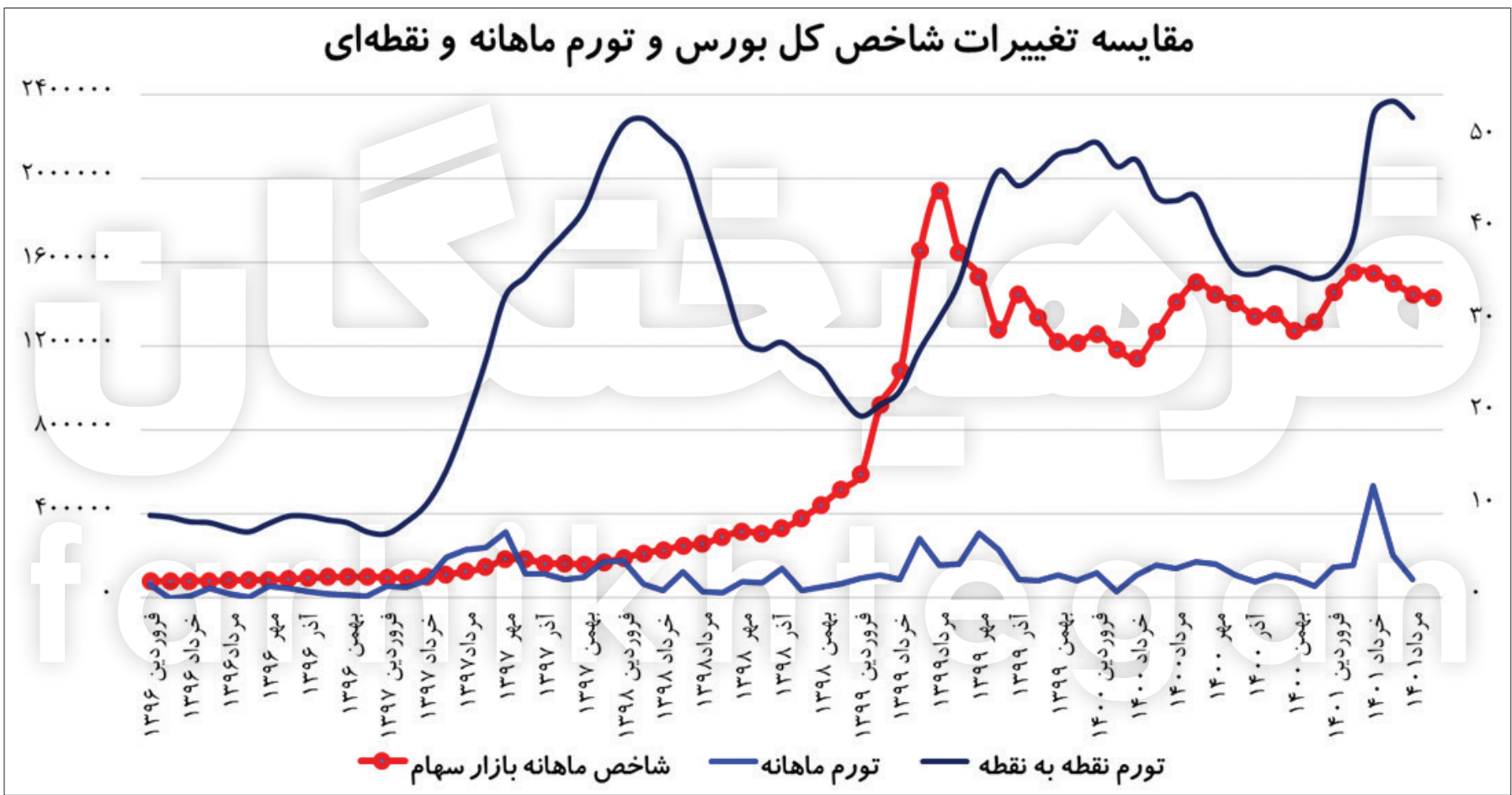


دلیل قهر بورس از تورم



پیشرو که صنایع فولاد و پتروشیمی و... قرارداد، قیمت فروش محصولات آنان در شرایط تورمی به رغافراش بر هزینه های تولید یا تورم یا حتی بیشتر از تورم عمومی کشور، افزایش را تجربه خواهد کرد. در این صنایع اغلب قیمت گذاری محصولات با توجه به بازارهای جهانی و نرخ ارز صورت می گیرد و ما با قیمت گذاری های دستوری در این صنایع مواجه نخواهیم بود و بنابراین محصولات این صنایع با شرایط بهتری به جهت صادرات روبه رو هستند. دسته دوم یعنی صنایع متوسط، در شرایط تورمی با عدم تغییرات فزاینده توجه سهم روبه رو خواهند شد و در این شرایط عرضه محصولاتی در صنایع تنها برای پوشش تقاضاهای داخلی کافی خواهد بود و بنابراین این صنایع وابستگی به واردات اندک خواهند داشت. هرچند که توان صادراتی محصولات این صنایع نیز اندک است. دسته سوم که صنایعی همچون خودرو و داروسازی قرار دارد در شرایط تورمی شاهد کاهش قیمت های مداوم سهام آنان هستیم. ویژگی بارز این صنایع وابستگی بالای تولید آنان به شرایط اقتصادی کشور، واردات نرخ ارز، سیاست های تجاری و شرایط سیاسی و وابسته های خارجی است. همچنین برخی از این صنایع وابسته به بودجه عمرانی دولت هستند و این از وجود دولت در قیمت گذاری محصولات این صنایع بسیار پررنگ است و در نتیجه قیمت فروش محصولات این صنایع در دوره های زمانی طولانی، نسباً ثابت است. آنچه که بعنوان تاثیر تورم بر بازار سهام در بلندمدت شناخته می شود در واقع اثر تورم عملکرد این دسته است از صنایع در بازار سهام تحت شرایط تورمی است. اگر در شرایط تورمی صنایع پیشرو عملکرد بهتری داشته باشند شاهد تاثیر مثبت تورم و اگر صنایع عقب رفته عملکرد بدتری داشته باشند شاهد تاثیر منفی تورم بر بازار سهام خواهیم بود.

نامہ مجید عشقی بہ مخبر

نامه اخیر مجید عشقی، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار خطاب به محمد مخبر، معاون اول رئیس جمهور نیز در این خصوص قابل تامل است. در متن نامه اسامی از مهم‌ترین چالش‌ها و عوامل ایجادکننده نگرانی‌های بازار سهام در بحورهای هشت‌گانه شامل «روند افزایشی نرخ سود بانکی و تأثیر آن بر خروج نقدینگی از بازار»، «گاهش حاشیه سود شرکت‌ها ناشی از افزایش نرخ خوراک و حامل‌های انرژی»، «قیمت‌گذاری دستوری محصولات صنایع از قبیل خودرو، شونده، لاستیک و...» انجام معاملات شرکت بالایش و پخش در بورس انرژی، «نوسان در نرخ ارز و تأثیر آن بر افزایش نااطمینانی‌های صنایع برای توسعه فعالیت»، «واگذاری سهام در شرکت‌های خودرویی»، «انحاذن تصمیمات برای شرکت‌های صادرات‌محور بدون در نظر گرفتن منافع کلان اقتصادی» و «قطعی برق در تابستان و گاز در زمستان و آثار منفی آن بر تولید و بهای تمام‌شده» نام برده شده است. در پایان این نامه ۷ صفحه‌ای پیشنهادهایی برای مدیریت نااطمینانی‌ها در بازار سهام نیز در ۶ محور با عنوان «تعیین نرخ سود بین بانکی در کانال از پیش تعیین شده»، «حذف نرخ هاب اروپایی از فرمول قیمت‌گذاری نرخ خوراک و سوخت گاز»، «حذف قیمت‌گذاری دستوری»، «شفاف شدن روابط مالی فی مابین دولت و بنگاه‌های اقتصادی»، «تعیین تکلیف واگذاری سهام خودروها»، «ارزیز مایقی تعهدات صندوق توسعه ملی به صندوق تثبیت بازار» ارائه شده است. با این حساب، می‌توان نتیجه‌گیری عدم تبعیت بازار سهام ایران از تئوری دوستی، به علت ریسک‌های اقتصادی و سیاسی است که اعتماد را از این بازار سلب کرده و رونق را از این بازار به‌یادگار بدست.

حجم نقدینگی در سبده دارایی خود هستند. در چنین شرایطی بازار سهام می‌تواند به عنوان پیری برابر تورم عمل کند. در نتیجه افزایش تقاضا برای خرید سهام، موجب افزایش قیمت سهام و افزایش ارزش و حجم معاملات می‌شود. نکته دیگری که در شرایط تورمی در اقتصاد ایران می‌توان به آن اشاره نمود مربوط به ضرب نقدشوندگی دارایی‌ها است. به دلیل نقدشوندگی پایین سایر دارایی‌ها مانند طلا، ارز، مسکن و... در شرایط تورمی سرمایه داران در کوتاهمدت تمایل به سرمایه گذاری در بازار سهام دارند. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که اثر تورم بر عملکرد بازار سهام ایران در کوتاهمدت مثبت است و می‌تواند به عنوان پوششی در مقابل تورم عمل کند.

رابطه بلند مدت

هنگام بروز تورم و در بلندمدت، به دلیل افزایش قیمت فروش محصولات و خدمات شرکت‌ها، بدون افزایش تولید یا بهبود کیفیت و ارزش ذاتی سهام‌شیر، رقم فروش شرکت‌ها افزایش پیدا می‌کند. بنابراین در چنین شرایطی رقم فروش شرکت‌ها با توجه به ارزش ذاتی، شاخص‌های ضعیفی برای سرمایه‌گذاران تلقی می‌شود. همچنین، در شرایط تورمی نیز شاهد افزایش قیمت مواد اولیه مورد نیاز صنایع خواهیم بود که موجب افزایش هزینه‌های بالاتر می‌گردد. از این رو میزان اثر گذاری تورمی بر بازار سهام بستگی به میزان افزایش قیمت محصولات و خدمات در مقایسه با افزایش قیمت مواد اولیه و هزینه‌ها دارد. که بسته به نوع صنعت می‌تواند برآیندهای متفاوتی از خود برونزداند. این درحالی است که بازار تورم‌های شدید در فاصله زمانی میان سرمایه‌گذاران در کوتاه مدت و بهره‌برداران، آنچه‌که می‌توانیم مشاهده کنیم سود دریافت و سود پرداخت در قدرت خرید کمتری بر خوردار خواهد بود و در نتیجه بارده واقعی سرمایه‌گذاری کمتر از مورد انتظار خواهد بود. همچنین به دلیل افزایش هزینه‌های زندگی، کاهش قدرت خرید افراد و کاهش قیمت‌های سرمایه‌گذاری می‌توان در بلندمدت انتظار کاهش تقاضای برای سرمایه‌گذاری در بازار سهام و به تبع آن کاهش شاخص سهام باشیم. علاوه بر موارد ذکرشده، هنگام ساختن از شرایط تورمی باید بین دو نوع نرخ بهره داشته باشیم. رواقع با افزایش نرخ تورم، افزایش نرخ بهره نیز امری اجتناب‌ناپذیر است و به همین علت نرخ بازده مورد انتظار سهامداران با تغییر مثبتی روبه‌رو خواهد شد. به این ترتیب، یکی دیگر از اثرات تورم در بلندمدت بی‌ثباتی در سود و بازدهی است. بنابراین میزان تاثیر تورم بر سود و پرداختی شرکت‌ها به سهامداران نامعلوم است و در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که تاثیر تورم بر قیمت محصولات شرکت‌ها و تعادل اثر نهایی به‌طور کلی بر بازار سهام در بلندمدت در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

دسته بندی صنایع در شرایط تورمی

برآورد عملکرد صنایع مختلف بازار سهام در شرایط تورمی را می‌توان در سه دسته صنایع پیشرو (فولاد، پتروشیمی، فرآورده‌های نفتی، فلزات و کانی‌های فلزی)، مواد شیمیایی، مواد کانی‌های غیر معدنی، خدمات و فراخور، صنایع متوسط (صنعت کاشی، سیمان، آهک و غیره)، خدمات، فعالیت‌های بانکی و مهندسی، صنایع پیمه، محصولات غذایی و کاغذی، صنعت کارسازی، عملیات‌های حفاری، شیرینی جات، تولید کود و ترکیبات پتروشیمی و صنایع پتروشیمی و فولاد، صنعت خودرو، صنعت دارو، تولید قطعات خودرو، بانک و موسسات اعتباری، و بنادر، کشتیرانی، ماشین‌آلات صنایع نساجی، هتل‌رستوران‌ها، محصولات لبنی، لاشیک، پلاستیک، ابزارآلات و غیره و بانوبوس‌های املاک و مستغلات) جای داد. در دسته اول، یعنی صنایع

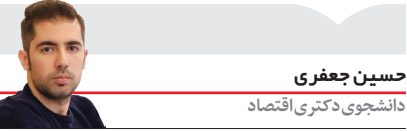
که برخی از کارشناسان اعتقاد دارند که در حال حاضر بازار سهام دچار یک غلبه‌اندکی دو ساله از نرخ تورم شده است و نوید افزایش رشد شاخص بازار سهام را از آینده می‌دهند اما در حال حاضر آنچه که باعث افزایش رشد شاخص بازار سهام می‌شود، افزایش سهامداری و جذب نقدینگی است که به‌نظر می‌رسد با وجود سهامداری که هم اکنون نیز در دست سهامداران بازار قرار دارد زیاد شده‌اند نمی‌توان تا آینده آن را نزدیک به شاهد آشتی دوباره میان بازار سهام و سهامداران و در نتیجه جذب نقدینگی باشیم، حتی این ویژگی‌های سهامداران را بازار سرمایه‌ای نمی‌توان به‌عنوان یک عامل اساسی در جانمایی بازار سهام از تورم‌ها یا موجود قلمداد نماییم، همچنین در شرایط تحریمی و افزایش‌های مکرر نرخ از طی سالیان اخیر به‌نظر می‌رسد شرکت‌های بورسی در تامین مواد اولیه خود دچار مشکلات جدی هستند که باعث شده شرکت‌های بورسی از فرصت افزایش قیمت محصول و خدمات خود در شرایط تورم به‌خوبی استفاده نکنند.

رابطه تورم با شاخص بازار سهام

بررسی رابطه بین تورم و شاخص بازار سهام یکی از موضوعاتی است که در طول تاریخ علم اقتصاد توجه پژوهشگران متعددی را به خود جلب کرده است. بررسی نتایج مطالعات پیشین مرتبط با این موضوع نشان می‌دهد که این پژوهشگران تاکنون به یک جمع بندی نهایی و واحدی در این زمینه دست پیدا نکرده‌اند. یکی از دلایل این امر می‌تواند به ساختارهای اقتصادی کشورهای مورد مطالعه مستخرج و نمود، همین علت موجب شده است که برخی از پژوهشگران این رابطه را منفی، برخی مثبت و برخی نیز فاقد رابطه از بابی نامیند. به طور کلی در کشورهای که نرخ تورم نرخ مالی بسیار پایینی را به ثبت می‌رساند و از آنجا که این نرخ نیز از سمت سرمایه‌گذاران قابل پیش بینی است، بنابراین در این گونه کشورها تورم به عنوان یک عامل نابرابر که سبب بروز نااطمینانی در اقتصاد شود شناخته نخواهد شد. سرمایه‌گذاران به سادگی درصد افزودنی را به عنوان تورم به یازدهی مورد انتظار خود می‌افزیند و بازار به حالت تعادل خواهد رسید و در اغلب این کشورها پژوهشگران رابطه معاداری میان تورم و شاخص بازار سهام پیدا نکرده‌اند. اما در کشورهایی مشابه با ساختار اقتصادی اقتصاد ایران که تورم‌های بالا یکی از ویژگی‌های اقتصادی این کشور است، می‌توان نتیجه مطالعات به یک رابطه مثبت میان تورم و شاخص بازار سهام ختم می‌شود. این درحالی است که به نظر می‌رسد نگاه این پژوهشگران نسبت به این موضوع نگاهی از دید اقتصاد کلان می‌باشد و برای بررسی دقیق تر موضوع نیاز است که از دید شرکت‌های حاضر در بازار سهام در دو بازه زمانی کوتاه مدت و بلندمدت به موضوع نگاه شود. به طور خلاصه نتایج کتوامندی این رابطه می‌توان هم‌بستگی از بابی نمود ولی در بلندمدت این رابطه در همه‌ی اوقات در حالت مثبت و به برآیند عملکرد صنایع حاضر در بازار سهام بستگی دارد.

رابطه کوتاه مدت

در شرایط تورمی به‌طور متوسط به دلیل کاهش ارزش پول ملی سود اسمی شرکت‌ها افزایش پیدا خواهد کرد. در واقعیت امر سودآوری شرکت‌ها افزایش یافته است بلکه تحت تاثیر تورم، سود اسمی افزایش پیدا کرده است. از این رو با افزایش سود اسمی، طرف تقسیم و به تبع آن قیمت سهام نیز افزایش خواهد یافت. از طرف دیگر در شرایط تورمی و در صورت عدم تعادل به‌نگهداری پول کاهش می‌یابد و سرمایه‌گذاران ناچار به ریسک به‌نگهداری پول و کاهش ارزش آن به دنبال کاهش



در بین اهالی قدیمی بازار سرمایه در ایران و به‌توضیح ریش سفیدان این بازار، بازار سرمایه یک بازار تورم‌دوست شناخته می‌شود و با افزایش نرخ تورم، سهامداران انتظار افزایش قیمت سهام‌های خود را دارند. اما به‌نظر می‌رسد که در ریزش تاریخی بازار سهام در مردادماه سال ۱۳۹۹، شاخص این بازار سهام از نرخ تورم پیش‌ترکده و با افزایش نرخ تورم نقطه به‌نقطه در طی دو سال اخیر به بیش از ۵۲ درصد، در بازار سهام نسبت به مرداد ۱۳۹۹، ریزش ۲۶ درصدی را تجربه کرده و شواهد حاکی از ادامه این روند در بازار سرمایه است. بررسی مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته در تعیین رابطه تورم و بازار سهام نشان می‌دهد که هرچند در کوتاه‌مدت می‌توان بین این دو یک رابطه مثبتی یافت ولی تعیین این رابطه در بلندمدت در اهالی این بازار کار دارد و همچنان پژوهشگران در تعیین یک توجیه واحد ناموفق مانده‌اند. تعیین رابطه بلندمدت میان تورم و بازار سرمایه به‌برگشتن عملکرد سرمایه‌بوری بستگی دارد که در طی دو سال اخیر به‌نظر می‌رسد در شرایط نوری امروزه صنایع روبه‌افول عملکرد قوی‌تری نسبت به صنایع پیشرو داشته‌اند و همین عامل در کنار ویژگی‌دانی سهامداران از بازار سرمایه موجب شده است که بازار سهام به‌عنوان سپر تورمی عملکرد قابل قبولی از خود نشان دهد و شاخص این بازار را رفتار مناسب با تورم شده نکرده بلکه نسبت به تورم نیز یک رفته خنثی از خود نشان داده است. این یافته‌ها باید در دیدگاه تورم‌دوست بودن سرمایه‌داری تجدید نظرهای اساسی نمایند و در تحلیل‌های خود تنها به نرخ‌های تورم متکی نباشند.

پایان رفاقت بورس و تورم

شاخص بازار سهام درحالی در مرداد ۱۳۹۹ در نزدیکی فتح ۲هفته ۱۱ میلیون واحدی قرار داشت که پس از این تاریخ ریزش خود را آغاز نمود و پس از طی دو سال همچنان سهامداران را از وضعیت بازار سهام نازنی هستند. این درحالی است که روزهای رونق و سهم ریزی بازار سهام بخشی از کارشناسان اقتصادی، بازار سهام را یکی از عوامل شکل گیری انتظارات تورمی تلقی می کردند که پس از مرداد ۱۳۹۹ با وجود افت ۲۶ درصدی دانشجو شهروید ۱۲۰ و همچنین نرخ تورم و تورم افزایشی خود طاری می کند. اما مساله اصلی که در این زمینه وجود دارد مربوط به یک دیدگاه قدیمی در میان اهالی بازار است که در شرایط تورمی انتظار افزایش قیمت سهام خود را دارند که حداقل در دو سال اخیر به نظر می رسد اهالی بازار سرمایه باید در دیدگاه های خود تجدید نظر کنند. تا قبل از مرداد ۱۳۹۹، همبستگی مثبتی بین شاخص بازار سهام و نرخ های تورم وجود داشت ولی پس از مرداد ۱۳۹۹ و آغاز ریزش شاخص بازار سهام این همبستگی تا به امروز از بین رفته است. در مرداد ۱۳۹۹ نرخ تورم نقطه به نقطه در مقدار ۳۰۴ درصد و شاخص بازار سهام نیز در محدوده ۱ میلیون و ۹۰۰ هزار واحدی قرار داشت ولی پس از گذشت دو سال و با وجود اینکه در تاریخ مرداد ۱۴۰۱ نرخ تورم نقطه به نقطه در رقم ۲۰۰ درصد بود، شاخص بازار سهام محدوده ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار واحدی را نشان می داد. شواهد آماری دو سال اخیر بازار سهام، نشان می دهد که بازار سهام تنها از یک متغیر کلان اقتصادی در نظر تورم تاثیر نمی پذیرد و حداقل در دو سال اخیر این بازار را تغییر نرخ های تورم به عنوان یک سپر تورمی عملکرد قابل قبولی نداشته است و سهامداران باید در دیدگاه های خود را به رابطه تورم و بازار سهام تجدید نظر ای اساسی نمایند. هرچند

اقتصاد جهانی در حال پراکندگی است و بازارهای مالی به رنگ قرمز چشمک می‌زنند، مسأله‌ای که منعکس‌کننده این احساس در وال استریت است که کاهش شدیدتر در فعالیت‌های اقتصادی در سراسر جهان احتمالاً اجتناب‌ناپذیر است. به گزارش پژوهشکده پولی و بانکی به نقل از وال استریت ژورنال، مقصور، تورم فزاینده، و کاهش قوی بانک مرکزی، سرمایه‌گذاران مضطرب و تیرم تجاوز روسیه به اوکراین هستند. اقتصاد االات متحده تا حد زیادی از بهترین این می‌بماری‌ها رهایی یافته‌است، اما افزایش قیمت دلار در زمانی که افزایش قیمت‌ها در بسیاری از نقاط از دارمدها پیشی گرفته، بقیه جهان را مجازات می‌کند. علان فشار گسترده است. آمارها نشان می‌دهد که فعالیت اقتصادی در اروپا در ماه سپتامبر به شدت کاهش یافته‌است و خطر رکود اقتصادی را افزایش می‌دهد زیرا دولت‌ها با اختلالات مربوط به جنگ دست‌وپنجه‌تن می‌کنند. در بریتانیا، پس از پیشه‌شد دولت برای کاهش مالیات در تلاش برای از سرگیری رشد، روند به پایین‌ترین سطح خود از سال ۱۹۸۵ سقوط و نگرانی‌ها درباره تورم را تشدید کرد. بن‌زاین درست یک روز پس از مداخله این کشور برای افزایش ارزش آن برای نخستین بار از سال ۱۹۹۸ کاهش خود را در برابر دلار ازسر گرفت. در سراسر جهان، حجم تجارت در حال فروپاشی است و تورم، اعتماد خانوارها، کسب‌وکارها را در هم می‌کوبد. بازار مسکن چین در حال شکست است، در حالی که بحران انرژی اروپا به تولید کارخانه‌ها ضربه می‌زند. عدم پشتیبانی بازار از کاهش مالیات بریتانیا، گزینه‌های محدودی را که دولت‌ها در تلاش برای ایجاد تعادل در مواجهه با رشد ملایم و تورم بالا با آن مواجه هستند، برجسته می‌کند. بانک‌های مرکزی به رهبری فدرال رزرو، تنها دو سال پس از ارائه بسته‌های بزرگ محرک اقتصاد، مبارزه با تورم را در اولویت قرار داده‌اند و نرخ‌های بهره را با سرعتی که دهه‌های گذشته مشاهده نشده‌است، افزایش می‌دهند. نتیجه، تضعیف شدید فعالیت‌های اقتصادی در بسیاری از مناطق است که نوسانات باز تقویت می‌شود و برخی از موارد به سطوحی که آخرین بار در بحران مالی دیده شد و است، باز می‌گردد.

در روز جمعه، شاخص‌های صنعتی داو به زیر ۳۰ هزار واحد سقوط کردند و به پایین‌ترین سطح خود در سال ۲۰۲۲ رسیدند و شاخص‌های اصلی سهام را به چهارمین کاهش هفتگی ۳ درصدی یا بیشتر در پنج هفته گذشته رساندند. معاملات آتی نفت خام ایالات متحده با ۶ درصد کاهش برای اولین بار از ۱۱۰ ژانویه به زیر ۸۰ دلار در هر بشکه رسید. بازده اوراق قرضه دولتی به بالاترین سطح خود در بیش از یک دهه گذشته در ایالات متحده و بریتانیا رسید. نینس مگنسون اقتصاددان ارشد در SEB بانک مستقر در سوئد، گفت: «این به نوعی آزمایش است. اینکه چقدر سریع و سخت می‌توانید [ترخ‌های بهره را] بدون از بین بردن اقتصاد واقعی افزایش دهید.»

سیگنال هایی مبنی بر اینکه پایان یک چرخه اقتصادی غیرعادی نزدیک است، با صدای بلند و آشکار توسط بانکداران و اقتصاددانان دریافت می‌شد. گروه گلدمن ساکس این هفته هدف اس اند پی ۵۰۰ پایان سال ۲۰۲۲ را ۱۶٫۲ درصد کاهش داد و به ۳۶۰۰ واحد رساند، این شاخص روز جمعه در سطح ۴۶۳۴ واحد چشمگیری تغییر بدست آورد. استیسن از گلدمن عنوان کرد که نرخ‌ها «به‌طور چشمگیری تیره» است. کرده‌اند، در نتیجه، چشم‌انداز بازارها «به‌طور غیرمعمولی تیره» است. بانک آمریکا روز جمعه اعلام کرد که انتظار دارد تولید ناخالص داخلی واقعی ایالات متحده در چهار فصل منتهی به سه ماهه آخر سال ۲۰۲۳ به میزان ۱ درصد کاهش یابد و نرخ بیکاری ایالات متحده به ۵٫۶ درصد در دسامبر ۲۰۲۳ افزایش یابد. این پیش‌بینی‌ها بر مسمای اصلی تاریخچه تأکید می‌کنند: افکار اقتصادی پس از اینکه بسمت‌های این چرخه به جلویی از قاعه اقتصادی در طول کووید - ۱۹ کمک کرد، چقدر بد خواهد شد؟

درحال حاضر، برخی از تنگناهای عرضه درحال کاهش هستند و بیکاری در اقتصادهای پیشرفته کم است. به گفته تحلیلگران «جی‌پی‌مورگان چیس»، خانوارهای این کشورها، پس‌اندازهای جمع‌آوری شده در طول همه‌گیری را بیرون کشیده و هزینه‌های آنها در شش ماهه منتهی به ژوئن به‌صورت سالانه ۲.۴ درصد افزایش یافته است. به گفته تحلیلگران، اشتغال جهانی نیز به‌یش از دو برابر سرعت پیش از همه‌گیری در این دوره افزایش یافته است.

ایالات‌متحده تاکنون بهتر از سایر نقاط جهان، تورم بالا، کاهش تولید اقتصادی و تأثیر جنگ اوکراین را پشت‌سر گذاشته است. مخارج مصرف‌کننده و رشد شغلی همچنان قوی است و برخی از تولیدکنندگان درحال تغییر تولید از خارج از کشور هستند و سرمایه‌گذاری را تقویت می‌کنند. براساس نظرسنجی‌های شرکت داده‌ای اس‌ان‌دی گلوبال از مدیران خرید، فعالیت‌های قراردادی کسب‌وکارهای ایالات‌متحده در ماه سپتامبر تعدیل شد. شاخص مدیران خرید ترکیبی ایالات متحده - که فعالیت را در هر دو بخش تولید و خدمات اندازه‌گیری می‌کند - در سپتامبر ۴۹.۳ بود که نسبت به ۴۴.۶ در آگوست بهبود یافته است. عدد ۵۰ نشان‌دهنده انقباض و اعداد بالاتر از آن، نشان‌دهنده رشد است.

روز چهارشنبه جروم پاول، رئیس فدرال رزرو گفت که کاهش تورم در ایالات متحده احتمالاً نرخ بیکاری بیشتر و یک دوره پایدار رشد کمتر را به همراه خواهد داشت. آقای پاول عنوان کرد: ما تا زمانی که مطمئن شویم کار انجام شده، به این روند ادامه خواهیم داد. به این حال، بازار مسکن که اغلب شاخص اصلی ضعف اقتصادی است، با افزایش نرخ وام و مسکن در حال بهبود است. روز چهارشنبه مقامات فدرال اعلام کردند: انتظارات خود برای رشد اقتصادی را از ۱.۷ درصد به ۰.۲ درصد در سال جاری کاهش دادند. در منطقه یورو، خرده فروشی در هفته‌های اخیر کاهش یافت؛ چرا که احساسات مصرف‌کننده به پایین‌ترین سطح جولای ۲۰۲۴. درصد نسبت به سال قبل کاهش یافت؛ چرا که هزینه‌های انرژی، تولیدکنندگان راضی‌تر فاش قرار داد. دوپچه بانک تسویه می‌زند که اقتصاد منطقه ممکن است در سال آینده ۲.۳ درصد کوچک شود که در نتیجه انقباض ۳.۵ درصدی در آلمان اتفاق می‌افتد.